

هنر سبک آوینی

در توصیفات گنجینه آسمان

عزیز آذین فرد

مدرس دانشگاه جندی شاپور دزفول

چکیده

هنر سبکی و روایت‌پردازی که آوینی در آثارش به کار برده، آن‌ها را به‌عنوان یکی از نثرهای شاخص عصر انقلاب، به‌خصوص ادبیات عرصه دفاع مقدس ممتاز کرده است. در این مقاله، سعی نگارنده بر این بوده است که هنر سبکی و روایت‌پردازی او را از حیث لفظ و معنا در ارتباط با توصیفات کتاب «گنجینه آسمانی» بررسی کند. «استشهاد به آیات و احادیث»، «بهره‌گیری از «تشخیص»، «تلمیح»، «سجع»، «مراعات نظیر» و انواع «تشبیهات» نیز از شگردهای مختلف بیانی و سبکی آوینی برای پرداخت توصیف‌هاست که در این مقاله به آن اشاره‌ای خواهد شد.

سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که آوینی با به‌کارگیری نمودهای زبانی، تکنیک‌های روایی، بلاغی و سبکی کوشیده است، موجبات پویایی و زیبایی توصیفاتش را فراهم سازد. نگارنده کوشیده است این نکات سبکی و روایی را در این مورد، با ذکر شواهدی از کتاب «گنجینه آسمانی»، پیش روی پژوهندگان و علاقه‌مندان قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: توصیف، سبک‌شناسی، ادبیات دفاع مقدس، گنجینه آسمانی، سیدمرتضی آوینی

۱. مقدمه

«هر موضوع و فکر، شکل و قالبی برای

تعبیر لازم دارد. خوانندگان یک اثر ادبی از روی مطالعه و آشنایی با شکل اثر، معنی موردنظر گوینده را می‌فهمند؛ به‌عبارت دیگر، فکر در قالب جمله مستتر است و جداگانه بیان نمی‌شود» (بهار، ۱۳۷۳: ۱۷). کتاب «گنجینه آسمانی» نیز از این امر مستثنی نیست و آشنایی با شکل و قالب آن پی بردن به اندیشه موردنظر گوینده‌اش را به‌صورت توأمان میسر می‌سازد.

کتاب مذکور که گفتار متن همه فیلم‌های مستند «روایت فتح» را، از اولین برنامه تا شهادت راوی فتح، در برمی‌گیرد، اثر خامه سیدمرتضی آوینی، از متفکران نواندیش اسلامی و نویسندگان معاصر، است. مجموعه تلویزیونی روایت فتح به دلیل به‌کارگیری قلم نافذ و تأثیرگذار، تصویرپردازی‌های بدیع از ایثارگری‌ها و جانبازی‌های رزمندگان و بسیجیان سلحشور توانست به پریننده‌ترین برنامه مستند تلویزیونی عرصه دفاع مقدس مبدل شود.

همان‌گونه که پیش‌تر عنوان شد، سؤال اصلی پژوهش حاضر، استفاده آوینی از نمودهای زبانی، تکنیک‌های روایی، بلاغی و سبکی برای پویایی و مانایی توصیفاتش است. تاکنون مقالات زیادی درباره منحصربه‌فرد بودن برخی از توصیفات این نویسنده نوشته شده اما هیچ پژوهش علمی به واکاوی مختصات سبکی و زبانی

در آن‌ها نپرداخته و این اولین گام در این مسیر است. سبک آوینی سبک انحراف از هنجار موجود در نثر روایی رایج در ادبیات معاصر است. ویژگی‌های سبک روایی او شامل: کلمات مورد علاقه آوینی، مضامین، فکر و اندیشه غالب در آثار آوینی، نحوه بیان روایت‌ها، ترکیبات ویژه و خاص، آشنایی و تسلط کافی بر ادبیات کلاسیک، استشهاد به آیات قرآن و احادیث، استفاده از «تشخیص»، «تشبیه» و تمام مختصات زبانی است و آوینی در توصیف‌هایش تمام این مختصات سبکی را به کار برده است.

۱-۱. بیان مسئله

هدف این مقاله پرداختن به مسئله توصیف و انواع مختلف آن، شامل توصیف خوش آغازی، توصیف حالات، توصیف شخصیت، توصیف شخصیت‌های مثبت فردی، توصیف شخصیت‌های مثبت جمعی در نثر روایی آوینی و بیان میزان گنجایش معنایی این سبک در رساندن معنای موردنظر است.

پرسش‌هایی که این پژوهش در صد پاسخگویی به آن‌هاست عبارت‌اند از: چگونه توصیف به‌عنوان سبکی برتر در نثر روایی مرتضی آوینی به کار رفته است؟ میزان تأثیرپذیری آن در شاخص شدن یکی از نثرهای موفق ادبیات دفاع مقدس چگونه تجلی می‌یابد؟ چگونه این سبک

که بر پایه توصیف استوار است در غنی‌سازی معنایی آثار مرتضی آوینی مؤثر بوده است؟

۲-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

بررسی توصیفات در آثار نویسندگان دفاع مقدس به‌عنوان یک سبک پویا بر اهمیت این پژوهش افزوده است. به ویژه اینکه مرتضی آوینی این سبک را با تکنیک‌های روایی به شکل کم‌نظیری تلفیق داده است. این پژوهش به ارتقای سطح شناخت بافت و ساختار الفاظ و معنای نثر ادبیات دفاع مقدس کمک شایانی می‌کند و بستر مناسبی در این زمینه فراهم می‌آورد.

۳-۱. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های چندی درباره برخی از زوایای دیگر آثار آوینی انجام شده اما تاکنون پژوهش جامع و مستقلی درباره توصیفات ایشان صورت نگرفته و این اولین گام در این مسیر است. این پژوهش می‌تواند با پر کردن این خلأ تحقیقاتی برای فهم نویسندگان دفاع مقدس و ترسیم هنر سبکی ایشان برای ایجاد مقایسه با نویسندگان دیگر کشورها در این حوزه به کمک دانشجویان و محققان بیاید.

۲- بحث

ما در ادامه مقاله، توضیحات «گنجینه آسمانی» را از نظرگاه موضوعی و سپس نکات سبکی و روایی، با ذکر شواهد بررسی و تحلیل می‌کنیم.

۲-۱. توصیف خوش‌آغازی

بی‌تردید خوش‌آغازی در هر اثر از مهم‌ترین دغدغه‌های هر نویسنده‌ای است. برای آشنایی بیشتر خوانندگان با اهمیت این نوع توصیف، ناگزیریم به کوشش‌های وسواس‌گونه نویسندگان بزرگ ادبیات جهان در این زمینه اشاره کنیم: «می‌گویند افلاطون، صفحه اول کتاب جمهوریت را یکصدوسی بار پاک‌نویس کرد. ارنست همینگوی، کتاب

«پیرمرد و دریا» را قبل از چاپ سپاری دوپست بار به دقت خواند» (سنگری، ۱۳۸۶: ۶۷). البته ما از دل‌بستگی آوینی به این مسئله بی‌اطلاعیم اما هر چه باشد، نباید از این هنر مثال‌زدنی ایشان به راحتی گذشت؛ چون توانسته است در این بخش، باور عاشورایی خود را به شکل زیبایی به روش براءت استهلال بیان کند. آوینی در این قطعه، به جای ذکر روایت و ستایش جهاد در راه خدا، از گره‌خوردگی گذشته و حال به خوبی بهره می‌گیرد؛ یعنی فریاد برداشتن سیدالشهدا (ع) در شب قبل از عزیمت به سوی کربلا را طنین‌انداز شدن همان فریاد حسینی در قرن پانزدهم هجری می‌داند. او با دقت تمام دریافته است که وقایع محرم سال (۶۱ سال ه. ق) را نه به‌عنوان اتفاقاتی در گذشته دور، بلکه به مثابه نمادهایی از یک حقیقت همیشه زنده باید دید و به این ترتیب، می‌توان از دریچه روایت عبرت‌هایی مانا از آن‌ها دریافت کرد. از چنین نظرگاهی است که آوینی قطعاتی این‌گونه را پیش چشم مخاطبش قرار می‌دهد. او معتقد است که تاریخ کربلا، تاریخ مصرف ندارد و به‌همین دلیل می‌کوشد کربلای (۶۱ سال ه. ق) را با کربلای (۱۳۶۱ ه. ش) در ایران گره بزند و نوعی «این‌همانی» و وحدت در دو حادثه بجوید.

به یاد داشته باشیم آوینی این متن‌ها را در زمانی نگاشته است که نه تنها مردم ایران دین‌داری خود را با محک آتش جنگ به خوبی آزموده‌اند بلکه امام و مقتدایشان بارها فرموده‌اند که شما دین خود را به اسلام و انقلاب ادا کرده‌اید، و مورد تکریم و تحسین ایشان قرار گرفته‌اند.

برای نمونه

حضرت سیدالشهدا، حسین‌بن علی(ع)، شب پیش از هجرت به سوی کربلا در پایان خطبه‌ای بلند فرمودند: «آگاه باشید، هر آنکه می‌خواهد خوشش را در راه ما اهل بیت، که راه حق است، نثار کند و خود در بهشت لقاءالله منزل گیرد، با ما راهی کربلا شود. من فردا صبح ان‌شاءالله به راه

می‌افتم». اکنون بار دیگر بانگ الرحیل برخاسته است و همان فریاد در آسمان بلند تاریخ طنین‌انداز گشته است، و این بار راهیان کربلا، این راحلان قافله عشق، بدان لبیک گفته‌اند (آوینی، ۱۳۸۱: ۹۱).

۲-۲. توصیف حالات

شهید آوینی مهارتی خاص در شکار آموزه‌های ناب عرفانی دارد. نوشته‌های او تا حدود خوبی از کشف برخوردار است؛ کشف حالت‌هایی که یا بار عارفانه دارند و یا ارزش توصیفی ویژه. این توصیف‌ها غالباً تازه‌اند و به‌نحوی خوب با تشبیه یا همسان‌انگاری گره می‌خورند. به واقع، پیوند کشف حالت‌های عرفانی با همسان‌انگاری پیوندی مبارک و ستودنی است؛ آنجا که نویسنده توانسته است عزلت‌گزینی رزمندگان را به یک قاضی وسواس تشبیه کند که به تفحص کردار پیشین خویشتن می‌پردازد و اندرزنامه‌اش را به تحریر درمی‌آورد. از قضا این تشبیه بسیار زیبا و ملهم از آموزه‌های عرفانی است.

در کنار این توصیف نیرومند، بایسته و شایسته است به برداشت‌های عرفانی آوینی از وقایع جبهه و حالات رزمندگان اشاره کرد. او معتقد است که عرفان اصیل اسلامی، زندگی‌ساز است نه زندگی‌سوز. این عرفان، عرفان سلوک و سیاست، سنگر و سجاده، خنده و خنجر، جمال و جلال، و تعبد و تعقل است؛ همان عرفانی است که در زندگی پیامبر(ص) و ائمه طاهیرین(ع) جلوه‌گر است. از دیگر ویژگی‌های سبکی آوینی در توصیفاتش، پروردن حالات شخصیت‌های مثبت با استناد به آیات قرآن، احادیث و روایات است که بر غنا و تأثیر آن بر خواننده می‌افزاید. تفحص وسواس‌آلود در کردار پیشین رزمندگان به‌سان قاضی‌ای دادگستر و حسابگر و بررسی سراپای دقایق زندگی‌شان، از این دست است.

استشهاد به آیات قرآن مجید

اشاره است به آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ

وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از مخالفت خدا بپرهیزید، و هر انسانی باید بنگرد تا چه چیز را برای فردایش از پیش فرستاده، و از خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است» (حشر، ۱۸).

استشهاد به روایت یا حدیث

الف - علی - علیه‌السلام - می‌فرماید: «عِبَادَ اللَّهِ زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُوْزَنُوا وَ حَاسِبُوا مَنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبُوا وَ تَتَفَسَّحُوا قَبْلَ ضَيْقِ الْخِنَاقِ وَ انْقَادُوا قَبْلَ غَنَفِ السِّيَاقِ وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ لَمْ يُعَنْ عَلَى نَفْسِهِ حَتَّى يَكُونَ لَهُ مِنْهَا وَاعِظٌ وَ زَاجِرٌ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ غَيْرِهَا لَآ زَاجِرٌ وَ لَآ وَاعِظٌ»؛ «بندگان خدا! - کردار و گفتار - خود را بسنجید، پیش از آنکه آن را بسنجند، و حساب نفس خویش را برسید، پیش از آنکه به حسابتان برسند. فرصت را غنیمت دانید؛ پیش از آنکه مرگ گلویتان را بگیرد و نفس کشیدن نتوانید. رام و گردن‌نهاد به راه راست روید؛ پیش از آنکه به سختی رانده شوید. و بدانید آن کس که نتواند خود را پند دهد تا از گناه باز دارد، دیگری را نیابد تا این کار را برای او به جای آرد (علی بن ابیطالب، ۱۳۷۹: ۷۳).

ب. امام صادق - علیه‌السلام - در این روایت به ابن جنبد می‌فرمایند:

«يَا ابْنَ جَنْدَبٍ، حَقَّ عَلَيَّ كُلُّ مُسْلِمٍ يَعْرِفُنَا أَنْ يُعْرَضَ عَمَلُهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ عَلَى نَفْسِهِ فَيَكُونُ مُحَاسِبًا نَفْسِهِ، فَإِنْ رَأَى حَسَنَةً اسْتَزَادَ مِنْهَا وَ إِنْ رَأَى سَيِّئَةً اسْتَغْفَرَ مِنْهَا لئَلَّا يَخْزِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (مجلسی، ۱۳۶۱: ۷۸/۲۷۹).

«ای پسر جنبد، بر هر مسلمانی که ما را می‌شناسد لازم است که در هر روز و شب، اعمالش را بر خود عرضه بدارد و از نفس خود حساب بکشد. اگر کار خوبی در آن‌ها یافت، بر آن بیفزاید و اگر کار زشتی یافت، طلب بخشایش نماید تا در قیامت دچار رسوایی نگردد».

برای نمونه

«بعضی از بچه‌ها گوشه خلوتی

یافته‌اند و گذشته خویش را با وسواس یک قاضی می‌کاوند و سراپای زندگی خویش را محاسبه می‌کنند و وصیت‌نامه می‌نویسند. حق‌الله را خدا می‌بخشد اما وای از حق‌الناس! و تو به ناگاه دلت پایین می‌ریزد؛ آیا وصیت‌نامه‌ها را تنظیم کرده‌ای؟» (آوینی، ۱۳۸۱: ۴)

۲-۳. توصیف شخصیت

توصیف درست ویژگی‌های شخصیت‌ها به ما در شناخت دقیق‌تر آنان کمک می‌کند؛ به ویژه اگر این توصیف بتواند به آن شخصیت برای ما نوعی تجسم و تمثیل ببخشد. به نظر می‌رسد دستگیره‌ای که آوینی برای این کار انتخاب کرده، خیره شدن در جوانب مختلف پدیده‌های طبیعت است، تا بتواند روابطی تازه میانشان برقرار سازد. تشبیه جان رزمندگان به رود و اتصال آن به دریای شوق‌انگیز اراده‌آهنین، صبر جمیل و پایان‌ناپذیری آن از این جمله است.

برای نمونه

«تو گویی جان آنان رودی است که به دریای عظیمی از شور و اشتیاق، اراده و عزم و تصمیم و صبر وصل است که تمامی ندارد» (آوینی، ۱۳۸۱: ۶۳).

۲-۴. توصیف حالات / شخصیت

از شاخصه‌های بارز و مهم سبکی شهید آوینی در نوشته‌هایش، توصیف حالات و تفحص در ضمیر پنهان شخصیت‌ها و خلقیات آن‌هاست. این تصویرسازی‌ها در باب پیراستگی و تواضع سربازان امام زمان (عج) و همراهی آنان با پدیده‌های طبیعی جهت ستایشگری حضرت حق است.

بیان حالات معنوی بسیجیان قبل از شب عملیات و مصفا کردن وجودشان برای لقای پروردگار و هم‌چنین، وصف حضور پربرکت روحانیون در جبهه‌های نور به‌عنوان وارثان مکتب پیامبر (ص) و اهل بیتش مؤید آن است که نویسنده به جمال‌شناسی و رسانگی توجه دارد. توانمندی وی در توصیف توکل حزب‌الله بر قدرت بی‌کران خداوند و الگو قرار

گرفتن ابوالفضل‌العباس (ع) در حیاتشان، فرمان‌پذیری حزب‌الله و مأموریت یافتن آنان برای دیگرگون کردن معادلات جهانی و بنیان نهادن این تشکل مبارک و مقدس به دست امام خمینی (ره) چشمگیر است. از موارد قابل توجه دیگر می‌توان به معرفی خصوصیات برجسته دلاورمردان عاشورایی مانند دلنوازی، دشمن‌گذاری و گریه چشمی اشاره کرد. چنان‌که می‌بینیم، این اشارات زیبا در نمونه‌هایی که در ادامه می‌آید، نمود و کارکرد یافته است.

پروردن شخصیت‌ها و حالاتشان با استفاده از آیات متعدد، علاوه بر تأثیرگذاری بر خواننده، تحلیل روان‌شناختی حالات درونی شخصیت‌ها را موجب می‌شود. از سوی دیگر، فراموش نکنیم که این آیات دیده نمی‌شوند مگر به مدد رهیافت‌های شخصی مخاطب، که یگانه پل ارتباطی نویسنده با اوست؛ یعنی با استفاده از شیوه مضمون‌سازی به عناصر توصیف، حیات بخشیده است و در حقیقت، خواننده از نحوه سخن نویسنده با شخصیت و لایه‌های پنهانی روان او آشنا می‌شود. از ابتکارات آوینی برای غنی‌سازی توصیف‌هایش، مضمون‌سازی از طریق «آیات قرآن» است؛ آن هم بدون به‌کارگیری آن‌ها، و ما از این ابتکارات پاره‌ای را نقل می‌کنیم.

الف- ۱/ وارد شدن بی‌قید و بند و سرافرازانه بسیجیان در نماز به شیوه آزادمردان براساس آیه ۲۳ سوره مبارکه معارج (الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ)؛

الف- ۴/ ایستادگی مردان حزب‌الله در برابر تندباد عواصف براساس آیه ۲۲ سوره مبارکه یونس (هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَ جَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَبِيبَةٍ وَ فَرَحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَ جَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ ظَلَمُوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لئنِ لَأُنْجِيتنَّ مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ) و ابراهیم، ۲۸؛

ج- ۴/ بی‌باکی و بی‌پروایی مجاهدان راه حق در هنگامه جهاد در راه محبوب، براساس آیه ۳۰ سوره فصلت (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ) آل عمران، ۱۷۰ و ۱۷۵/ مائده، ۲۳ و ۵۴/ یونس، ۶۲ بقره، ۲۶۲ و ۲۷۴ و ۲۷۷/ طه، ۱۱۲ زخرف، ۶۸/ احقاف، ۱۳/ جن، ۱۳؛

د- ۴/ سرسپردگی رزمندگان جهان اسلام به توانایی خداوند در میدانگاه نبرد حق علیه باطل براساس آیه ۸۹ سوره اعراف (قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّيْنَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبُّنَا افْتَحَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ) و آل عمران، ۱۲۲ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۷۳/ مائده، ۱۱ و ۲۳/ اعراف، ۸۹/ انفال، ۲ و ۴۶ و ۶۱/ توبه، ۵۱ و ۱۲۹/ یونس، ۷۱ و ۸۴ و ۸۵/ هود، ۵۶ و ۸۸ و ۱۲۳/ یوسف، ۶۷/ رعد، ۳۰/ ابراهیم، ۱۲/ نحل، ۴۲ و ۹۹/ فرقان، ۵۸/ شعراء، ۲۱۷/ نمل، ۷۹/ عنکبوت، ۵۹/ احزاب، ۳ و ۴۸/ زمر، ۳۸/ شوری، ۱۰ و ۳۶/ مجادله، ۱۰/ ممتحنه، ۴/ تغابن، ۱۳/ طلاق، ۳/ ملک، ۲۹؛

و- ۴/ نیک‌فرجامی و ظفرمندی مجاهدان راه حق، به‌عنوان نتیجه یافتاری آنان بر استقرار عدل الهی براساس آیه ۱۲۸ سوره مبارکه اعراف (قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) و هود، ۴۹/ طه، ۱۳۲/ قصص، ۸۳؛

ل- ۴/ بعثت دیگر باره حزب‌الله و شیفتگی آنان به محبوبشان و در نتیجه، شیدایی حضرت محبوب به ایشان براساس آیه ۵۴ سوره مبارکه مائده (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ

يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ)؛

ص- ۴/ خوشدلی مجاهدان راه حق نسبت به ملامت کشیدن در راه استقرار حاکمیت احکام قرآن و اسلام براساس آیه ۵۴ سوره مائده که پیش‌تر آمد؛

الف- ۵. سرسپردگی مردان حزب‌الله به آستان ولایت اهل بیت (ع) و فرمانبرداری قدرشناسی آنان نسبت به این نعمت پربرکت براساس آیه ۳ سوره مبارکه مائده (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) و مائده، ۷ و ۲۰؛

شهید آوینی مهارتی
خاص در شکار
آموزه‌های ناب عرفانی
دارد. نوشته‌های او تا
حدود خوبی از کشف
برخوردار است؛ کشف
حالت‌هایی که یا بار
عارفانه دارند و یا ارزش
توصیفی ویژه

ج- ۵/ سرسپردگی بسیجیان جهان اسلام به احکام الهی و فرمان‌گزاری آنان نسبت به دستورات پیامبر اعظم (ع) و اهل بیتش (ع) براساس آیه ۵۹ سوره نساء (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا) و آل عمران، ۳۲ و ۱۳۲/ مائده، ۹۲/ انفال، ۱ و ۲۰ و ۴۶/ نور، ۵۴ و ۵۶/ محمد (ص)، ۳۳/ مجادله، ۱۳/ تغابن، ۱۲ و ۱۶؛

الف- ۶/ آمیزه شدت و رحمت در ضمیر مؤمن براساس آیه ۲۹ سوره مبارکه فتح

(مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِمَّنْ أَثَرَ السُّجُودِ) و مائده، ۵۴.

برای نمونه

۱. «و اینک آنان آمده‌اند، با سادگی و تواضع، بی‌تکلف و صمیمی، در پیوند با آب و درخت و آسمان و خاک و باران... و پرندگان و تو هم که از غرور آباد پرتکلف نفس اماره راه گم کرده‌ای و به یک‌باره خود را در میان این بندگان مطیع خدا یافته‌ای، حس می‌کنی که به برکت آنان، با همه چیز، آب و درخت و آسمان و خاک و باران و پرندگان و دیگر انسان‌ها پیوند خورده‌ای و بین تو و رب‌العالمین هیچ چیز نمانده است و دائم‌الصلوة شده‌ای» (آوینی، ۱۳۸۱: ۳).

۲. بعضی‌ها وضو می‌گیرند و بعضی دیگر پیشانی‌بندهایی را که رویشان نوشته شده است «زائران کربلا» بر پیشانی می‌بندند. در اینجا و در این لحظات، دل‌ها آن‌چنان صفایی می‌یابد که وصف آن ممکن نیست. گفتم که هیچ چیز در میانه تو و رب‌العالمین باقی نمی‌ماند؛ خود تو، آن که به او می‌گویی من، و در اینجا دیگر منی در میانه نیست. من می‌میرد و همه به هم پیوند می‌خورند. آن‌گاه دست‌ها در هم گره می‌خورند و دیگر رها نمی‌شوند» (همان، ۴).

۳. «از همان روز اول هر جا که می‌رفتیم حضور روحانیون با رایحه گل محمدی همراه بود. آن‌ها با عطر و قرآن می‌آمدند و این هر دو رایحه بهشتی است. یکی از برادران رزمنده می‌گفت: «حضور طلبه‌ها در میان ما یاد خدا را زنده می‌دارد» و در دل این حقیر گذشت که «آخر آن‌ها ورثه انبیا هستند». (همان، ۱۷).

۴. «حزب‌الله، مردانی که تندباد عواصف آنان را نمی‌لرزاند، از جنگ خسته نمی‌شوند، ترسی به دل راه نمی‌دهند، بر خدا توکل می‌کنند و عاقبت نیز از آن متقین است.

اسوه حزب الله ابوالفضل العباس (ع) است و درس وفاداری را از او آموخته‌اند. وقتی با این جوانان سخن از عباس می‌گویی، در دل خود جراحی هزار و چند صد ساله را باز می‌یابند که هنوز به خون تازه آغشته است؛ جراحی کربلا را می‌گویم. اکنون وعده خداوند تحقق یافته است و قومی را مبعوث ساخته که محبوب او هستند و او نیز محبوب آن‌هاست، و چه چیزی خوش‌تر از ملامتی که در راه محبوب کشند؟ آماده شو برادر، جراحی کربلا هنوز هم تازه است و تا آن خون خواه مقتول کربلا نباید، این جراحی التیام نمی‌پذیرد». (همان، ۲۷ و ۲۸).

۵. «حزب‌الله اهل اطاعت و ولایت است و قدر نعمت می‌شناسد. فداکار است و از مرگ نمی‌ترسد و گوش به فرمان «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» سپرده است و این چنین، تو گویی خداوند وظیفه تحقق اهداف الهی همه انبیا را بر گرده صبور و پر قدرت آنان نهاده است، و چه شرفی از این بالاتر؟ حزب‌الله از جانب خدا مأمور است که انسان و جهان را تغییر دهد؛ انسانی که امروز بیش از هر زمان دیگر گرفتار ظلمت شرک و بت‌پرستی است. در این چنین دنیایی که بشر امروز بت‌خویشتن را می‌پرستد، ظهور حزب‌الله معجزه‌ای است که از نفحات قدسی دم مسیحایی امام امت برمی‌آید» (همان: ۵۵).

۶. نازک دلی آزادگان چشمه‌ای زلال است که از دل صخره‌های سخت می‌جوشد. دل مؤمن را که می‌شناسی؟ مجمع اضداد است؛ رحم و شدت را با هم دارد، رقت و صلابت را نیز با هم. زلزله‌ای که در شانه‌های ستبرشان افتاده است از غلیان آتش درون است. چشمه اشک نیز از کنار آن آتش می‌جوشد که این همه داغ است. (همان: ۲۹۷).

۲-۵. توصیف شخصیت / حالات
از ویژگی‌های سبکی شهید آوینی در توصیفاتش، به تصویر کشیدن شخصیت‌ها و معرفی چهره‌های ماندگار و تأثیرگذار از

طریق نشان دادن روحیات و حالات آنان است.

در نخستین صحنه‌پردازی به موضوعاتی همچون بی‌قراری و شوخ‌طبعی‌های رزمندگان در شب عملیات و بی‌باکی آنان از کارزار با دشمن، مانسنگی ملت مسلمان ایران به آیین و آراستگی آسمان تاریخ به حضور پربرکت آنان در صحنه‌های مختلف ایثار و شهادت، و آموختگی جان‌نثاری و جانبازی از مکتب سیدالشهدا (ع) اشاره شده است.

در صحنه‌پردازی‌های دوم، سوم و چهارم نگاه تیزبینانه او را در بی‌تکلفی و آزادمردی عشایر و خشکیدن تالاب‌های عفن در وجودشان به علت کوچیدن نباید از نظر دور داشت. وصف هم‌جواری شهید ربیع نتایج با دریا و زدودن شور‌زار دل به واسطه سرشک و دریادلی او و حیات‌انگیزی آدمیان از دریا به‌طور خیره‌کننده‌ای باعث ظرافت، زیبایی و شکوهمندی شده‌اند. عنصر خیال در اینجا غالب، استعاره‌های مصرحه هستند؛ مثل: «جان‌نثاران سیدالشهدا»، «شیر شکارافکن»، «رودخانه» و «همسفران بهار».

پروردن شخصیت‌ها و حالاتشان با استفاده از آیات متعدد، علاوه بر تأثیرگذاری بر خواننده، تحلیل روان‌شناختی حالات درونی شخصیت‌ها را موجب می‌شود

برای نمونه

۱. هرچه به پایان روز نزدیک‌تر می‌شویم، شکوفه‌های شوق در دل بی‌قرارشان بیشتر و بیشتر شکفته می‌گردد و طبعشان به شوخی‌های لطیف متمایل می‌شود و از جان‌نثاران سیدالشهدا (ع) جز این نیز انتظار نمی‌رود. ترس روپنهانه نه شایسته شیر شکارافکن است. متناقض

است که همچون موش کور به تاریکی خو کرده است و از روبه‌رویی با ما می‌هراسد» (آوینی، ۱۳۸۱: ۶۸).

۲. «ملت مسلمان ایران اکنون آینه‌ای است که نور حق در آن جلوه کرده است و همین نور می‌رود تا از مشرق وجود طلوع کند و آسمان تاریخ را به جلوه عدل بیارید. ما آیینگی را از سیدالشهدا (ع) آموخته‌ایم و هرچه داریم، از حیات طیبه شهادت است. آیینگی نه کار هر شیشه شکسته غبارگرفته‌ای است؛ از خود گذشتن می‌خواهد، که تا از خود نگذری نور خدا در تو جلوه نمی‌کند» (همان: ۱۰۶).

۳. «عشایر همسفر بهار هستند و این حرکت دائم، از آنان مردمی آزاده و بی‌تکلف ساخته است. رودخانه‌هایی هستند که حیاتشان در ترک ماندن است؛ اگر نه، عادات و تعلقات آنان را به بند می‌کشد و از ظلمات درونشان مردابی عفن ظاهر می‌شود. پیوندی که همسفران بهار با طبیعت بسته‌اند، آنان را روشنی آب و طراوت شبنم، لطافت گلبرگ و آزادگی کوهسار، رقت نسیم و صلابت صخره‌ها، صمیمیت آفتاب و وسعت دشت بخشیده، و هجرت دائم، مرداب‌های عفن وجودشان را خشکانده است» (همان: ۲۱۳).

۴. «دریا، دل اوست؛ وسیع و عمیق که باد عشق در آن امواج اشتیاق برمی‌انگیزاند. دریا شور است، به شوری اشک؛ اشکی که شور‌زار دل را می‌شوید و آن را مستعد باروری می‌سازد، و «من الماء کل شیء حی». دریا منشأ حیات است و این صفت را از قیل شهید دارد» (همان: ۲۵۵).

۲-۵-۱. توصیف شخصیت‌های مثبت فردی

از خصوصیات بارز سبکی شهید آوینی در توصیفاتش، به تصویر کشیدن شخصیت مثبت فردی است. او نیک می‌داند توصیف موفق و به تصویر کشاندن شخصیت‌های ممتاز و تأثیرگذار باعث شناساندن آنان به آیندگان می‌شود. به همین دلیل، با بهره‌گیری از «سجع» یا «هم‌آهنگی» به شکلی کاملاً طبیعی و زیبا نمونه‌های مذکور را پویا و دلپذیر کرده است. برای

انسانیت هستند و خود، این همه مدیون شمس ولایت‌اند» (همان: ۱۷).

۴. «من هرگز اجازه نمی‌دهم که صدای حاج همت در درونم گم شود؛ این سردار خیبر قلعه قلب مرا نیز فتح کرده است» (همان: ۳۸۱ و ۳۸۲).

۲-۵-۲. توصیف شخصیت‌های مثبت جمعی

یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های سبکی شهید آوینی در توصیفات، ارائه تصاویری زنده و نو از شخصیت‌های مثبت جمعی است؛ به ویژه اگر این تصاویر بتوانند از زبان روان و شیوا، بهره‌مند شوند. آوینی در اینجا، آنگاه که از شخصیت‌های مثبت چه به صورت فردی یا گروهی سخن می‌گوید، نگاهی روان‌شناسانه به نحوه خلق شخصیت‌ها دارد.

در قطعات اول و دوم، دل‌باختگی بسیجیان جهان اسلام به حرم حق، عزیمت راهیان کربلا به جبهه‌های نور و مهیا شدن جهان برای ظهور امام مهدی (ع) نمود یافته است.

در قطعه سوم، پاک‌دلی رزمندگان به واسطه نورافشانی ولایت اهل بیت (ع) و توفیق شرفیابی آنان به محضر مقدس حضرت بقیه‌الله (ع) مشاهده می‌شود.

در نمونه‌های چهارم و پنجم، حیات‌انگیزی شهید به پدیده‌های آسمانی و اثربخشی او در نیک‌فرجامی انسان‌ها یکی از درخشان‌ترین نمونه‌های این بخش به‌شمار می‌رود. در اینجا نویسنده توانسته است به زیبایی هرچه تمام‌تر، میان واژه‌ها و عناصر خورشید، قلب، اشک و غروب پیوند برقرار کند. از جنبه زبانی، پر واضح است که تکرار متوالی عبارت «اگر شهید نباشد» حاکی از قدرت فوق‌العاده او در ایجاد ارتباط و پیوستگی میان لفظ و معناست؛ به‌ویژه که چارچوب معنایی، پایداری و مقاومت باشد. همچنین، به کارگیری به‌هنگام عنصر تکرار این حقیقت را هویدا می‌سازد که تکرار نه تنها حشو و زیاده‌گویی به شمار نمی‌رود بلکه از آن می‌توان ابزاری ساخت برای باروری هرچه بیشتر معانی پایداری.



(۱۳۸۱: ۵).

۲. آن‌گاه که مجاهد سبیل‌الله، درست در گرماگرم جنگ، خاک تیمم را به نشانه کمال عبودیت بر چهره و دو دست می‌کشد و تکبیره الحرام می‌بندد، تو گویی آفرینش به آن نقطه غایب کمال خویش دست یافته و کار جهان به سرانجام رسیده است؛ مگر نه اینکه خداوند انسان را برای عبودیت خویش آفریده است؟ و تو نیز همه این راه را آمده‌ای تا بدین‌جا بررسی و تصویرگر آن عظمتی باشی که در پیش روی توست؛ عظمت انسانی که سر بندگی بر خاک آستان ذوالجلال نهاده است و به معدن عظمت و قدرت اتصال یافته و این چنین، همه قدرت‌های ظاهری را در برابر خویش به خضوع و خشوع کشانده است. فتح الفتوح اینجاست و پیروزی ما در جبهه‌های جنگ جلوه کوچک‌تری از این فتح بزرگ درونی است» (همان: ۱۶۶).

۳. «کجاست آن چشم حق‌بینی که ببیند که چگونه نور ولایت از دریای مواج اشتیاق علیرضا، ابرهای رحمتی را برمی‌انگیزاند که با بادهای هدایت تا آسمان سرزمین‌های کویری سفر می‌کنند و می‌بارند و آن بلاد مرده را به حیات طیبیه عشق بارور می‌سازند؟ اینان مبشران حیات تازه

مثال، در توصیف شخصیت علی‌ابن ابی‌طالب (ع) و دل‌انگیزی ایشان در مصاف با نادوستان و ناراستان، می‌توان صحنه دیگری از خلاقیت و کشف جنبه‌های زیباشناسانه را مشاهده کرد. تیمم رزمندگان بر خاک مقدس جبهه به نشانه کمال عبودیت و اظهار شکسته‌نفسی در برابر پروردگار، همچنین معرفی شهیدان حاج همت و علیرضا آملی به‌عنوان مبشران حیات تازه انسانیت نشانگر سبک مستقل ایشان از هم‌نسلانش است و هم از نظرگاه جهان‌بینی و هم ساختار زبان توصیف امروز کمترین شباهتی به دیگران ندارد. در نمونه‌های زیر، این خصوصیات زیبا و خواندنی جلوه‌گر می‌شوند.

برای نمونه

۱. اما مگر نشنیده‌ای که آن اسدالله الغالب، آن حیدر کرار صحنه‌های جهاد که چون فریاد به تکبیر برمی‌داشت و تیغ برمی‌کشید، عرش از تکبیر و تهلیل ملائک پر می‌شد و رعد بر سپاه دشمن می‌غرید و دروازه خیبر فرو می‌افتاد، او نیز شب که می‌شد... چه بگویم؟ از چاه‌های اطراف کوفه بیرس که هنوز طنین گریه‌ها و ناله‌های او را به خاطر دارند» (آوینی،

پرهیز از پیچیده‌گویی در بیان تشبیهات، به توصیفات آوینی فضایی ممتاز بخشیده است. شاید هیچ گزافه‌گویی نباشد اگر تشبیهات آوینی را از خوش‌ساخت‌ترین و شفاف‌ترین نمونه‌های این حوزه بشماریم که در این کتاب با آن‌ها روبه‌رویم. تشبیه نفاق به موشی که ضمیر سست بنیاد منافق را آسیب‌پذیر می‌سازد یا تبدیل شدن عادات سخیف به منجلابی که ساکنان آن قبرستان‌نشین هستند، به راستی زیباست. منظور از شفافیت این است که توصیفش نه ابهام‌سوری دارد و نه رازواری معنایی. از اسباب و عوامل پیچیدگی، مثل نارسایی زبان، تراحم تصویرها، انتزاعی بودن مضامین، و غرابت فضا تقریباً در اینجا خبری نیست. نکته قابل تأمل در قطعه‌های ششم و هفتم، جامعیت صحنه‌سازی‌هاست. به بیان دیگر، مخاطب به همان اندازه که از صورت آن‌ها غافلگیر و شگفت‌زده می‌شود از سیرتشان نیز مطالب زیادی دریافت می‌کند؛ زیرا آن‌چنان که انتظار می‌رود، هدفمند و عمیق به نظر می‌رسند. گویا نویسنده هم به دنبال زیبا نگاشتن است و هم انتقال یک سلسله احساسات و اندیشه‌ها. اما در قطعه پایانی به این مهم دست می‌یابیم که وقتی ساختاری، بتواند با استخدام ساده‌ترین واژه‌ها ناب‌ترین آموزه‌های وحی آسمانی را منتقل کند، جبراً و ذاتاً زیبا و پذیرفتنی خواهد بود.

برای نمونه

۱. «بسیجی‌ها دلباخته‌ حق‌اند و ما دلباخته بسیجی‌ها هستیم. آن‌ها سربازان امام زمان و پیوستگان به او هستند و تو اگر در جست‌وجوی موعود خویش هستی، او را در میان سربازانش بجوی» (آوینی، ۱۳۸۱: ۸۵).

۲. «راهیان کربلا را بنگر. آنان بال در بال فرشتگان و در فضایی آکنده از تسبیح و سلام و صلوات و بوی گلاب و دود اسفند و در زیر بارانی از نقل و نبات و در پناه سوره توحید و دعای خیر امام امت و فرشتگان به سوی جبهه‌ها روان‌اند تا دنباله باطل را قطع کنند و ریشه شجره خبیثه

فتنه را برکنند و جهان را آماده ظهور مولایمان سازند، و این چنین چه عجب، اگر پیشانی‌بندهای آنان را وسیله تبرک و تقرب سازند و از آن شفا بجویند؛ مگر نه این است که اینان راهیان کربلا، اصحاب آخرالزمانی سیدالشهدا هستند و از همین است که نام خود را راهیان کربلا نهاده‌اند؟» (همان: ۵۳ و ۵۴).

۳. رزمندگان ما در ظلمت‌کده این سیاره خاکی، میسران نوری هستند که از شمس ولایت در آینه صافی وجودشان تابیده است. امروز آنان در مدار کهکشانی خویش به منزلگه قرب رسیده‌اند؛ یعنی توفیق دیدار یافته‌اند و منتظرند تا چشمشان به جمال نایب ولایت کلیه روشن شود» (همان: ۱۷۹ و ۱۸۰).

۴. اگر شهید نباشد، خورشید طلوع نمی‌کند و زمستان سپری نمی‌شود. اگر شهید نباشد، چشمه‌های اشک می‌خشکد، قلب‌ها سنگ می‌شود و دیگر نمی‌شکنند، و سرنوشت انسان به شب تاریک شقاوت و زمستان سرد قساوت انتها می‌گیرد و امید صبح و انتظار بهار، در سراب یأس گم می‌شود. اگر شهید نباشد، یاد خورشید حق در غروب غرب فراموش می‌گردد و شیطان، جاودانه کره زمین را تسخیر می‌کند (همان: ۲۰۷).

۵. آنان همچون نور، دیگران را ظاهر می‌کنند و خود را نمی‌بینند و اگر این چنین نبود، لیاقت سربازی امام زمان (عج) را نمی‌داشتند. عجب و کبر، انسان را به جبهه شیطان الحاق می‌کند اما شرط حضور در این معرکه از خودگذشتگی است. آنان در ظلمات آسمان دنیا همچون راه شیری کهکشان قبله را نشان کرده‌اند اما در این جهان، راه حق از کربلا می‌گذرد. اگر کسی پنداشته است که می‌توان ایمان آورد و پای در بیابان بلا گذاشت، سخت در اشتباه است. او بداند که زمین دلش از سوراخ‌های پنهانی موش‌های نفاق سست است و در خاکی این چنین، بذر حیات نمی‌روید» (همان: ۲۲۲).

۶. پندار ما این است که ما مانده‌ایم و شهدا رفته‌اند، اما حقیقت آن است که زمان ما را با خود برده است و شهدا مانده‌اند»

(همان: ۳۵۹).

۷. «ای شهید، ای آنکه بر کرانه‌ازلی و ابدی وجود برنشسته‌ای، دستی بر آبر و ما قبرستان‌نشینان عادات سخیف را نیز از این منجلاب بیرون کن» (همان: ۳۷۲).

۸. «شب‌هنگام بار دیگر ابرها همه منطقه را پوشانده بودند و انتظاری اشتیاق‌آمیز آن همه درون ما را گرم داشته بود که سرمای هوا را احساس نمی‌کردیم. ما هم مثل ابرها جنود مطیع خدا هستیم و مشیت مطلقه او بر این قرار گرفته است که اراده‌اش با دستان ما تحقق پیدا کند. خداوند ما را هم مثل ذرات ابر از اینجا و آنجا، از شهرهای دور و دهکده‌های دورتر در این نقطه جمع آورده است تا بر ظلم و کفر بتازیم و باران رحمت بر زمین بباریم» (همان: ۹۳).

۲-۶. توصیف خوش‌فرجامی

در قطعه زیر، شهید آوینی با توصیف درست خوش‌فرجامی، فرجامی خوش را در پایان هر نوشته‌اش به ثبت رسانده است. او با بهره‌گیری مناسب از پیام‌های عاشورا و گره‌زدن آن با زبانی معنوی و لطف‌آمیز، بر زیبایی و دلپذیری توصیفاتش افزوده است. قطعه دلدادگی بسیجیان به کربلای معلی و مزار مطهر ابا عبدالله الحسین (ع) شاهدی بر این ادعاست.

برای نمونه

«بسیجی عاشق کربلاست و کربلا را تو مپندار که شهری است در میان شهرها و نامی است در میان نام‌ها. نه کربلا حرم حق است و هیچ‌کس را جز یاران امام حسین (ع) راهی به سوی حقیقت نیست» (آوینی، ۱۳۸۱: ۸).

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که بررسی «گنجینه آسمانی» مشخص می‌نماید این هنر سبکی آوینی است که از تمام ابزارهای سبکی، زبانی و بلاغی برای پرداخت توصیف‌هایش بهره می‌گیرد و همین ویژگی‌ها نثر روایی ایشان را به‌عنوان یکی از نثرهای شاخص عصر انقلاب، برجسته کرده است. روایت‌شناسی

ادامه مطلب از صفحه ۶۷

آوینی، انس وی با قرآن و نهج البلاغه، و همچنین آشنایی و تسلط کافی وی بر ادبیات کلاسیک مجموعه عواملی هستند که در شاخص بودن نثر ایشان تأثیر شگرف و شگفتی داشته‌اند. کالدشکافی روان‌شناسانه دقیق و عمیق شخصیت‌های مثبت و منفی، قدرت تعمیم در ژانرپردازی ترکیبی و سرانجام افزودن بر غنای درون‌مایه با استشهاد بی‌شمار به آیات قرآن را می‌توان از مختصات برجسته سبکی آوینی در روایت‌پردازی دانست.

معرفی آثار مکتوب سیدمرتضی آوینی

۱. گنجینه آسمانی (متن گفتارهای مجموعه مستند روایت فتح). (۱۳۷۶). تهران: کانون فرهنگی و هنری اینارگران مؤسسه فرهنگی روایت فتح.

۲. فتح خون - روایت محرم. (۱۳۷۴). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

۳. توسعه و مبانی تمدن. (۱۳۷۶). تهران: ساقی.

۴. آینه جادو (جلد ۱، مقالات سینمایی). (۱۳۷۷). تهران: ساقی.

۵. آینه جادو (جلد ۲، ندهای سینمایی). (۱۳۷۷). تهران: ساقی.

۶. آغازی بر یک پایان. (۱۳۷۸). تهران: ساقی.

۷. آینه جادو (جلد ۳: گفت‌وگوها، سخنرانی‌ها و مقالات سینمایی). (۱۳۷۸). تهران: ساقی.

۸. امام‌(ره) و حیات باطنی انسان. (۱۳۷۸). تهران: روایت فتح.

۹. فردایی دیگر (مجموعه مقالات). (۱۳۷۸). تهران: برگ.

۱۰. حلزون‌های خانه‌به‌دوش. (۱۳۷۹). تهران: ساقی.

۱۱. رستاخیز جان. (۱۳۷۹). تهران: ساقی.

۱۲. فتح خون (روایت محرم). (۱۳۷۹). تهران: ساقی.

۱۳. یک تجربه ماندگار (روایت فتح به روایت شهید آوینی). (۱۳۷۹). تهران: روایت فتح.

۱۴. با من سخن بگو دوکوهه (گفتار متن به روایت فتح). (۱۳۸۰). تهران: روایت فتح.

۱۵. مرکز آسمان. (۱۳۸۰). تهران: روایت فتح.

۱۶. حکومت فرزندان (مروری بر مبنای حاکمیت سیاسی در اسلام). (۱۳۸۲). تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری شهید آوینی. تهران: نشر غنچه.

۱۷. سفر به سرزمین نور. (۱۳۸۴). تهران: روایت فتح.

۱۸. شهری در آسمان. (۱۳۸۴). تهران: روایت فتح.

۱۹. نسیم حیات (گفتار متن فیلم‌های مستند). (۱۳۸۴). تهران: ساقی.

پی‌نوشت

۱. مراسم بزرگداشت هفدهمین سالگرد شهادت سیدمرتضی آوینی با عنوان «روای بیداری»، عصر شنبه ۲۱ فروردین ۱۳۸۹ به همت مؤسسه «روایت فتح» در تالار وزارت کشور برگزار شد.

منابع

۱. قرآن کریم.

۲. آوینی، سیدمرتضی. (۱۳۷۶). گنجینه آسمانی (متن گفتارهای مجموعه مستند روایت فتح). تهران: کانون فرهنگی و هنری اینارگران مؤسسه فرهنگی روایت فتح.

۳. آوینی، سیدمرتضی. (۱۳۶۹). زندگی آوینی به قلم خودش. بازبای شده از ۱۷ فروردین ۱۳۹۱ سایت فرهنگی مذهبی شهید مرتضی آوینی.

<http://www.aviny.com>

۴. باشگاه خبرنگاران. (۱۳۹۱). زندگی‌نامه شهید مرتضی آوینی. بازبای شده ۲۲ فروردین ۱۳۹۱ از سایت <http://www.yjc.ir>

۵. سرهنگی، مرتضی. (۱۳۸۷). تحول شخصیت شهید سیدمرتضی آوینی در بیان مریم امینی. ماهنامه سپیده دانایی، ش ۱۲، ص ۷۰.

۶. جعفریان، حبیبیه. (۱۳۸۹). شهید آوینی (مروری بر آثار و اندیشه‌ها). تهران: کتاب صبح.

۷. ذوالنور، رحیم. (۱۳۷۴). دیوان حافظ، مقابله با چاپ دوم حافظ پرویز خانلری. تهران: سپند.

۸. رحیم‌پور ازغدی، حسن. (۱۳۸۹). آوینی را بخوانیم تا نوستالژی نشود. بازبای شده ۱۹ اسفند ۱۳۹۳ از وبگاه <http://www.bookroom.ir>

۹. کاظمی (موسوی)، سیدعبدالحمید. (۱۳۹۲). روایتگر عشق (مروری بر اندیشه‌های شهید آوینی). تهران: مؤسسه کتاب نشر.

۱۰. کمری، علیرضا. (۱۳۸۷). اسوه ادبیات انقلاب اسلامی نسبت به ادبیات و انقلاب اسلامی در تفکر شهید آوینی. بازبای شده در ۵ خرداد ۱۳۸۷ از سایت <http://www.noormags.com>

منابع

۱. قرآن کریم. (۱۳۸۰). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. چاپ اول. مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.

۲. آوینی، سیدمرتضی. (۱۳۸۱). گنجینه آسمانی. چاپ اول. تهران: نشر ساقی.

۳. بهار، محمدتقی. (۱۳۷۵). سبک‌شناسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۴. تاجدینی، علی. (۱۳۷۳). همسفر خورشید. چاپ اول. تهران: مرکز فرهنگی نشر قبله.

۵. جمعی از طلاب حوزه علمیه قم. (۱۳۷۲). راز خون. چاپ اول. تهران: بنیاد فرهنگی فاطمه‌الزهرا (س).

۶. حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۶۸). دیوان حافظ، به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی. تهران: انتشارات زوار.

۷. خسروشاهی، جهانگیر. (۱۳۸۴). بر ستیغ جبال فتح. چاپ اول. تهران: انتشارات روایت فتح.

۸. زحمتکش، سید مصطفی. (۱۳۸۳). سیدمرتضی آوینی، تهران: نشر فراندیش.

۹. سعیدی، مصلح‌الدین. (۱۳۷۲). بوستان سعیدی، تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: انتشارات خوارزمی.

۱۰. سنقری، محمدرضا. (۱۳۸۶). پوسه در سایه خورشید. چاپ اول. تهران: نشر لوح زرین.

۱۱. علی‌بن ابیطالب. (۱۳۷۸). نهج‌البلاغه، گردآوری شریف رضی. ترجمه سیدجعفر شهیدی چاپ چهاردهم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۲. گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم. (۱۳۸۲). فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع). تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

۱۳. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۱). بحارالانوار. جلد ۷۸. تهران: انتشارات اسلامیه.